

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 52)

### حرکت موازی حکومت پاکستان با امریکا و انگلیس

خواننده های عزیز بیاد دارند که پاکستانی ها علاوه از آنکه پس از حادثه یازدهم سپتامبر، ظاهراً همکاری شان در " جنگ علیه تروریسم" را اعلام نموده و بهمین دلیل، باسناد آمار رسمی امریکا، از سال 2001 تا 2011 میلادی وجه بیشتر از ده میلیارد دالر نقد از گمکهای امریکا را به جیب زدند. علاوه، طرح ها و شرایط سودجویانه دیگر را نیز بالای ابر قدرت امریکا تحمیل کردند که آن عبارت از گنجاندن نیروهای وابسته طالبی و تنظیمی (حزب اسلامی گلبدین) در قدرت سیاسی افغانستان بود. احتمالاً جانب امریکا نیز به اساس استراتژی منطقه یی اش، یا با این طرح پاکستانی ها موافقت نمود و یا ادغام مجدد و نهایتاً ایجاد دوباره " امارت" گروه طالبان در کابل و یا لاقول در بخشهای جنوب افغانستان، طرح مشترک (امریکا- انگلستان- پاکستان) بوده است. منتها این موضوع، چند سال را احتوا نمود تا از دهلیز ضمیر آنان بگونه عریان بر زبان آید. غرض حرکت به سوی این هدف ضد منافع ملی مردم افغانستان، لازم بود پاکستانیها در ببحوحه تداوم جنگ ها، ترورها، انفجارها، نا امنی ها و ویرانگریهای گسترده توسط افراد

وگروه های مزدور، زمزمه " طالبان میانه رو و مذاکره با آنها " و " جداسازی طالبان از افراد القاعده" را سردهند تا از این طریق بستر مساعدی غرض پذیرش افکار عامه ایجاد نموده باشند. چنانکه نشریه " ایشیا تایمز" نوشت : " . . . {درپاکستان} تصمیم گرفته شد که از طالبان باید طوری حمایت صورت گیرد که نیرو های ناتو در افغانستان مجبور به مذاکره با طالبان شوند و به این ترتیب، چه کسی بهتر از پاکستان میتواند نقش میانجی را بازی کرده و متحدین غربی خود را به اطاعت و ابدارد؟" (224)

"واشنگتن تایمز" از قول " احمد رشید" ژورنالیست پاکستانی نوشت : " مقامات عالیرتبه ی رسمی پاکستان به کشورهای عضو ناتو به اصرار و پافشاری میگویند که طالبان را بپذیرند و در باره ی یک سلسله توافقات صلح محلی با آنها به گفت و گو پردازند... وزیر خارجه ی پاکستان، خورشید احمد قصوری به وزرای خارجه ی برخی اعضای ناتو گفت که طالبان در حال بردن جنگ افغانستان هستند و ناتو در شرف شکست قرار دارد... دگر جنرال علی محمد اورکزی والی صوبه ی سرحد پاکستان در خلال یک مصاحبه با رویتر در اواخر ماه گذشته گفت که عملیات ارتش های امریکا و بریتانیا در افغانستان صرفاً یک قیام برفکوچ مانند را تحریک میکند . . . یا عدم درک صحیح است و یا عدم شجاعت برای قبول شکست ... طالبان اکنون یک مقاومت ملی پشتونی را رهبری میکنند که هدف آن بیرون انداختن اشغالگران غربی میباشد آقای " دونکان هانتز" یکی از سناتوران امریکایی، پس از مسافرت در منطقه و جمع آوری معلومات مستند،

رسماً اظهار داشت که رهبری عملیات طالبان را سازمان استخباراتی آی.اس.آی به پیش میبرد. " (225)

این ادعا ها و اظهارات سناتور و سایر منابع امریکایی را، سخنان، مصاحبه ها، موضعگیری ها و تب و تاب جنرالان نظامی پاکستان، بخصوص جنرال حمید گل سابق رییس آی.اس.آی آن کشور که درمواقع مختلف، بدون اندکترین ملاحظه سیاسی و نزاکتهای دیپلماتیک به نفع گروه طالبان صورت گرفته و میگیرد، به پایه اثبات میرساند. مثلاً، وقتی خبرنگاری بی سی درسال 2011 میلادی با جنرال مذکور درحومه اسلام آباد گفت و گو بعمل آورد، دیگرکنه و ماهیت سیاسی وی درقبال گروه طالبان آشکارا گردید. برای آنکه خواننده گرامی بتواند تا حدی به موضوع پی برد، اینک بخشی از جوابهای " جنرال حمید گل" را که دربرابر سوالهای " نجفی زاده " ابرازنموده در اینجا درج مینماییم: "اوباما {باید} با طالبان مذاکره کند... تازمان خروج نیرو های خارجی از افغانستان، صلح دراین کشور برقرار نمیشود... زمان دولت حامد کرزی، ناتو و امریکا دیگر گذشته است و این طالبان اند که به افغانستان باز خواهند گشت...، چون حکومت کرزی دست نشانده است، کسانی که در دولت حامد کرزی کار میکنند، همه دست نشانده گانند، آنها به ملت افغانستان خیانت کرده اند. .. طالبان حاضر نخواهند شد با اینها گفت و گو کنند... طالبان را نباید صرف طالبان خواند، آنها از مقاومت ملی افغانها نمایندگی میکنند... اگر دنبال صلح باشیم، امریکا باید با مخالفان مسلح {اوباما با ملا عمر} گفت و گو کند.. " و بالاخره، "در اختلاف برای تأمین حکومت

اسلامی و سکولاردر افغانستان، شریعت برنده شده و سکولاریسم باخته است  
"... (226)

این حمایتها، گاهگاهی علنی شده مُشتِ جنرالانِ نظامی پاکستان و شبکهٔ استخباراتِ ارتشِ آن کشور را نزد مردمِ جهان باز میکند. مثلاً، در ماه سپتمبر سال 2008 میلادی، هواپیما های امریکا مقرِ گاردِ سرحدی پاکستان در روستای " سوران دره " را بمباران نمودند که در نتیجهٔ آن، به تعداد یازده تن از مؤظفینِ پاسگاهِ مذکور کشته شدند. در همان شب و روز، " دکسترفیلکینز " گزارشگرِ روزنامهٔ " نیویارک تایمز "، پس از رفتن در میان مردمِ محل و تحقیق و بررسی خاص، چنین نوشت : " وقتی امریکایی ها به طالبان حمله کردند، گاردِ مرزی پاکستان به سوی نیرو های امریکایی آتش گشود. آنها (گارد مرزی پاکستان) تلاش میکردند که به طالبان کُمک کنند، آنگاه، هواپیما های امریکایی آمدند و پاسگاه پاکستانی را بمباران کردند. " گزارشگرِ " نیویارک تایمز " می افزاید که " به دنبال ریشه های اینگونه همدردی هاست که تلاشها برای مقابله با ستیزه جویان در مناطقی قبایلی پاکستان را عقیم میکند. " (227)

## کرزی و طالب دوستی هایش

در نتیجهٔ تلاش ها در همین راستا بود که حامد کرزی برخلافِ اظهاراتِ رسمی ماه های اولِ حاکمیتش که گفته بود " ملا عمر، صد ها انسان را به قتل رسانیده و جنایتهای بزرگی را انجام داده است که باید به محاکمه کشانیده شود " ، در آستانهٔ سازشهای پنهانی و معامله گریهای ضد ملی، همان عنصر قاتل و جنایتکار را " ملا صاحب محمد عمر مجاهد " و " برادر ملا عمر " خطاب نموده حتا در پیش چشم

خلق جهان گفت : " اگر آدرسِ ملاصاحب محمد عمر را بدانم، شخصاً نزدش میروم و با او مذاکره میکنم . "

این، تنها نبود. کرزی تا آنجا در زمینه کشش و کوشش طالب دوستانه خویش جلو رفت که جنرال پرویز مشرف رییس جمهور کینه توز و مداخله گریپاکستان را که حامی سرسخت گروه طالبان و ادامه دهنده نا امنی افغانستان و همچنان، آتش بیور افتراق های قومی کشور ما شناخته شده است را بصورت رسمی " برادر " خطاب کرد و در سالهای بعد، حتا در برابر حملات تروریستی خونین و دهشتناک گروه طالبان در شهر کابل و سایر شهرهای کشور که منجر به شهادت دهها و صد ها نفر از باشنده های مظلوم افغانستان میشد، یا سکوت اختیار میکرد و یا این عمل جنایتکارانه را صرفاً " محکوم " مینمود و بس. حتا زمانیکه در ماه جولای سال 2011م، طالبان برادرش (احمد ولی کرزی) را در قندهار و جان محمد مشاور خاص او و هاشم وطنوال نماینده مردم ارزگان را در کابل ترور نمودند، نه تنها هیچ حرف نفرت انگیزی علیه تروریستها نگفت، بلکه حتا تذکر داد که " شهادت نصیب ملت ماست " ولی، در عین حال، جنرال بسم الله محمدی وزیر امور داخله افغانستان در پارلمان اظهار داشت که باسناد اسناد و شواهدی که بدست آورده و مکالمات تلفونی تروریستها را استماع نموده اند، عاملان ترور، با افرادی در آن طرف مرز (در خاک پاکستان) ارتباط برقرار نموده بودند. چنانکه بعداً صدا های ثبت شده تروریست ها، از طریق رسانه ها نیز به نشر رسانیده شدند. تلاشهای تب آلود حامد کرزی بحدی جالب بود که سخنگوی رژیم عربستان سعودی در حاشیه کنفرانس لندن اظهار نمود که حکومت متبوعش در صورتی میان دولت افغانستان و

گروه طالبان میانجیگری مینماید که جانب افغانستان، رسماً در این مورد تقاضا بعمل آورد و حامد کرزی چنین هم کرد و حتا به دیدار پادشاه آن کشور به ریاض شتافت. البته در قبال این جریان، "شبکه اطلاع رسانی افغانستان" نوشت که "به همین دلیل بود که دقیقاً در ماه جدی سال گذشته، به یکباره حامد کرزی، مجموع جنایت های انجام شده توسط ملا عمر و پیروان او را به تاق نسیان گذارده او (ملا عمر) را برادر خطاب کرد و ضمن بیان اینکه "هیچ مشکلی با ملا عمر ندارد"، از وی خواست تا به دولت بپیوندد...". و حتا همین خبرگزاری افزود که مذاکرات پنهانی نیز میان نماینده های دولت کرزی و گروه طالبان در عربستان سعودی صورت گرفته است. چنانکه در گزارش مذکور گفته شد که چهره های پشت پرده نیز در روند این معامله نقش داشته اند که از جمله باید از عبدالله اناس فرزند عبدالله عظام، فرزند مشاور اسامه بن لادن و ابوالحسن ممندی رهبر تشکلات "رباط عالم اسلامی" که ساکن مدینه عربستان است، نام برد. این افراد به دلیل اینکه مورد وثوق طالبان بوده اند، در مذاکرات اولیه نقش مهمی داشتند" (228)

"رابرتس گیتس" وزیر دفاع ایالات متحده امریکا، پس از برکناری اش از سمت آن وزارت، کتاب خاطرات خویش را نوشت که ضمن شرح و بست سایر مسایل، در صفحه (212) اثر مذکور با صراحت چنین نوشت: "... آقای کرزی در یک نشست محرمانه در ارگ کابل از من خواست تا در از بین بردن سران جبهه شمال و تضعیف آنها همرايش همکاري نمايم... کرزی به من گفت بزرگ ترین تهدید در برابر حکومت من، جبهه شمال است نه طالبان"

" گیتس " در همین صفحه علاوه میکند که : " ... وکرزی افزود که حد اقل دست مرا در تقویه طالبان باز بگذارید تا بتوانم از آنطریق تفنگ سالاران را از بین ببرم... آقای کرزی از همان سالهای دور دوم حکومتش، به جابجایی طالبان به شمال آغاز نمود. "

چون سرنوشت ملت افغانستان، علاوه از توطئه گران داخلی، در چنبر توطئه بین المللی نیز گیر افتاده بود، بنابراین، کشورهای مختلفی مثلاً از امریکا تا انگلستان، از ایران تا روسیه و هند، از پاکستان تا عربستان سعودی، از امارات متحده عربی تا ترکیه و چین و فرانسه و ازبکستان و ترکمنستان و... در بازی های سیاسی - دیپلماتیک حول هنگامه "ضد تروریسم" و گروه طالبان در افغانستان و منطقه تداخل داشته و دارند. چنانکه در سال 2007م حامد کرزی با پرویز مشرف، در اثر پامیانی حکومت ترکیه، در آن کشور دیدار بعمل آورده به یک سلسله توافقات خصوصی در مورد تماسگیری با طالبان نایل آمدند و در سالهای پسین، مقام های ترکیه، علاوه از رفت و آمد های متواتر به افغانستان، صریحاً اظهار نمودند که حاضر اند برای طالبان دفتر سیاسی در آن کشور بکشایند. در همان سالها، وقتی برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی به ترکیه سفر نمود، برای خبرنگاران آشکارا اعلام کرد که " اگر طالبان به کابل بیایند، با آنان مخالفتی نخواهد داشت "

## عربستان سعودی و گروه طالبان

رژیم پادشاهی عربستان سعودی علاوه از آنکه عامل عمده ایجاد و گسترش (وهابیسم) و تقویت کننده تشکلات عقب گرای مذهبی و خشونتگرا در پاکستان

وجهان است، پس، یکی از حامیان عمده و تمویل کننده گروه متحجر طالبان در افغانستان نیز بوده و هنوز هم میباید. چنانکه رژیم مذکور با شیخ نشین امارات متحده و حکومت پاکستان، نخستین رژیم هایی بودند که به تنهایی، امارت رجعت گرای طالبان را به رسمیت شناختند. نمیخواهم در اینجا دست اندازیهای بیرحمانه عربستان سعودی در امور داخلی افغانستان در چند سال اخیر را شرح دهم، ولی به فشرده نظر و طرح " ترکی الفیصل" سابق رییس سازمان " المخابرات العامه" یا شبکه جاسوسی آن کشور و سفیر وقت سعودی در امریکا و بریتانیا اکتفا میکنم که در مورد تعیین سرنوشت ملت ما برای او باما رییس جمهور امریکا پیشنهاد نمود: " ... عبدالله عبدالله مخالف اصلی کرسی در انتخابات، یک تاجیک است و در مؤلفه های افغان، چنین فردی برای هدایت کشور، چه توسط پشتونها و چه ازبکها که دو سازه بزرگ ساختار مناطق قبیله ای افغانستان را تشکیل میدهند، مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت...موضوع رسانه ها را از حمله به طالبان و دادن صفت تروریست به آنها تغییر دهند { یعنی رسانه های افغانستان بیش از این طالبان را تروریست معرفی نکنند } و بر القاعده و تروریستهای خارجی متمرکز شوند . . . خط مرزی دیورند را ثابت کنند. از زمانیکه این مرز توسط انگلیس میان پاکستان و افغانستان کشیده شد، ثابت نبوده است و به همین دلیل، اختلافاتی را میان این دو کشور به وجود آورده است . . . تجارت هیرویین را بپذیرند. این چالشی است که میتوان با آن همانند برنامه ای بر خورد کرد که آمریکا در دهه 1960 در ترکیه اجرا کرد..."(229)

---



این طرح و پیشنهاد مغرضانه ازسوی شهزاده مقتدر رژیم سلطنتی سعودی درمورد آینده کشور ما به وضاحت میرساند که رژیم مذکور در کلیه موارد خونین و تباهن سالهای اخیر علیه میهن عزیز ما، در کنار امریکا و انگلستان و پاکستان نقش عمده و اساسی داشته و دارد، بدون آنکه کوچکترین سهمی در بازسازی افغانستان و یا مساعدت مالی برای مردم آن (پس از سال 2001) بعهده گرفته باشد. و همچنان به قول " انتی وار"، وزیر دفاع بریتانیا (هاماند) ضمن یک سفر بکابل در ماه جون 2013م اظهار داشت که از سال 2001 تاکنون به تعداد 444 سرباز بریتانیایی به قتل رسیده و هزاران تن دیگر مجروح شده اند... ماموریت ما در افغانستان، پدیده جنگ ویتنام گردیده است.

بکارگیری دیپلماسی فعال انگلیس و پاکستان و ترفند های استعماری آنان، بخصوص تقویت پنهانی گروه طالبان و به راه اندازی حملات خونین انتحاری و انفجاری آنان در نقاط مختلف مملکت، به تدریج اثر خودش را بالای اوضاع جنگی افغانستان و گرایش بسوی مذاکره و مباحثات با گروه طالبان گذاشت و سایر کشورها را نیز تا حدود زیادی متقاعد گردانید و یا توسط حامیان تروریسم متقاعد ساخته شدند تا بگویند که " جنگ علیه طالبان راه حل نیست". چنانکه حتا "کای اید" نماینده خاص سازمان ملل در افغانستان گفت: " نظامیگری در افغانستان راه حل نیست"، در حالیکه اصطلاح نظامیگری تا دفاع از حاکمیت ملی و مبارزه علیه تروریسم، بسیار متفاوت است.

---

افسران بلند پایه اردوی انگلیس و به پیروی از آن ها، تعدادی از دیپلمات های ارشد انگلیس نیز گفتند که " طالبان باید بعنوان بخشی از آینده افغانستان در نظر گرفته شوند" (عین تقاضایی که نظامیان پاکستانی از جامعه ی جهانی داشته و دارند) و متعاقب آن، گزارش داده شد که نشستی به اشتراک هفده نفر نماینده (از گروه طالبان، حکومت کابل و حزب اسلامی) با پا درمیانی مقامات انگلیسی در عربستان سعودی صورت گرفته است. پس از آن بود که رییس دانشگاه " الاظهر" و معاون وی (شیخ محمد سید طنطاوی)، خوشبینی و آماده گی شان در مورد پیشبرد مذاکره با گروه طالبان را رسماً ابراز داشتند. " نیکولاسارکوزی" رییس جمهور فرانسه نیز طی مصاحبه یی با روزنامه " شرق الاوسط" چاپ لندن گفت: " راه حل بحران افغانستان، گفت وگویی سیاسی و انجام مذاکره با کلیه افغانها و از آن جمله با کسانی است که حاضر به کنار گذاشتن خشونت شده اند. " وی بهمین سلسله، از ملک فهد پادشاه عربستان سعودی بعنوان " مرد با منطق و میانه رو" یاد کرد. از جانب دیگر، " ژان کریستوفر نوتین" یکی از نویسندگان مشهور فرانسوی، کتابی تحت عنوان " جنگ مخفی فرانسوی ها در افغانستان" نگاشته و در آن افشا نمود که " در سال های 1995 و 2001 میلادی، فرانسه موشکهای ضد تانک را برای گروه های هراس افکن در افغانستان فرستاد و با این کار توانست به خوبی در میان گروه طالبان نفوذ کند. " (230)

نکته جالبتر دیگر این بود که " ویلیام پتی" سفیر بریتانیا در کابل، طی گفت و گویی با (بی بی سی) در ماه میزان سال 1390 خورشیدی گفت: " ما همکاری دوامدار با افغانستان را پیشنهاد کرده ایم و میدانیم که امریکا نیز در حال بحث روی ایجاد

همکاری استراتژیک با افغانستان است. بریتانیا به عنوان یک عضو اتحادیه ی اروپا تلاش میکند که میان افغانستان و اتحادیه ی اروپا سند همکاری دوا مدار به امضا برسد و همچنین ما عضو ناتو هستیم و می‌خواهیم ناتو را نیز تشویق کنیم تا به همکاری دوا مدار با افغانستان به توافق برسد."

این اظهاراتِ سفیرِ بریتانیا، واضحاً تمایلِ آن کشور برای امضای توافقنامهٔ استراتژیک با افغانستان را بیان میداشت. بعبارهٔ دیگر، هر دو ابرقدرتِ جهان (امریکا و انگلیس) مصمم بودند اگر روزی نیرو های شان را از افغانستان بیرون بَرند، پایگاه های نظامی دائمی خویش را در خاکِ افغانستان داشته باشند، یعنی این موضوع که در این کشور، چه رژیمی با کدام سیاست و ماهیت در آینده بالای ملت افغانستان حکومت کند، با در نظر داشتِ اصلِ منافعِ ستراتژیکِ آنها، هیچ تفاوتی برای آنان نخواهد داشت.

هیلاری کلنتن وزیر امور خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا نیز آنگاه که در نشست سه

---

جانبهٔ (افغانستان- امریکا - پاکستان) در توکیو شرکت داشت، به خبرنگاران گفت که : " امریکا حاضر است با آن عده طالبانی که از تشنج دست برداشته و از القاعده جدا شوند و به حقوقِ زنان و اقلیتها احترام بگذارند، مذاکره نماید. " ( 231 )

به هر حال، تبلیغات، تلاشها و فعالیتهای خاص و عامِ سیاسی مقام های حکومتِ انگلیس و بازیهای سیاسی متحدانِ غربی آن مبنی بر مذاکره و معامله با گروه طالبان،

آهسته آهسته در حلقه‌های حکومت حامد کرزی، سازمان ملل، کشورهای عضو پیمان ناتو و کاخ سفید ره گشود تا آنکه حکومت انگلیس تحت رهبری "گوردون براون" صدراعظم آن کشور، کنفرانس بین المللی لندن را در ماه جنوری سال 2010م میزبانی نمود. چنانکه در صفحات قبلی این اثر ملاحظه شد، طی جلسات "کنفرانس بین المللی لندن"، طرح مذاکره با گروه طالبان به رسمیت شناخته شد. پس از فیصله ها و تعهدات کنفرانس مذکور، "شورای عالی صلح" شامل یکعده از ملاحا، رهبران جهادی، سرکرده گان اقوام، متنفذین محلی، تنی چند از زنان افغان، عده یی از وابسته گان بومی استخبارات نظامی پاکستان و برخی از رهبران تسلیم شده گروه طالبان که تحت حمایت حامد کرزی در کابل بسر میبردند، به ریاست برهان الدین ربانی رییس جمهور سابق و رهبر حزب "جمعیت اسلامی" در ماه سپتامبر 2010م توسط حامد کرزی در کابل افتتاح شد. گرچه این "شورا" پسانها تبلیغات دامنه داری مبنی بر "دست آورد های خوب" را به راه انداخته از "تسلیم" شدن افراد و گروه های مسلح طالبان به دولت، سخن گفتند، ولی، گروه مذکور از همان وهله نخست، طرح مذاکره با دولت حامد کرزی را نه تنها با نشر اعلامیه های جدی رد کردند، بلکه در برابر هر ادعا یا تقاضای جانب دولت، دست به انفجارها و کشتار های خونین تر و گسترده تری یازیدند. ( ادامه دارد )

---